

معلولان چه محدودیت‌هایی در زندگی اجتماعی‌شان دارند؟

در جست‌وجوی یک زندگی عادی

معلولان درصد قابل توجهی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند که البته آمارهای ضد و نقیضی درباره این درصد وجود دارد. به هر حال تردیدی وجود ندارد که تعداد معلولان کشور چند میلیون نفر است و برخی این عدد را نزدیک به ۱۰ میلیون نفر می‌دانند. اما بیا ببینیم که در گذشته و در زمان‌های روزانه‌مان چند معلول را می‌بینیم و این میزان مشاهده نسبتی با جمعیت واقعی این افراد دارد؟ معلولان در جامعه کمتر دیده می‌شوند و این کمتر دیده شدن به دلیل کم بودن جمعیت‌شان نیست، بلکه به دلیل کمبود فضای مناسب برای حضور اجتماعی آنها و در نتیجه محصور شدن‌شان در خانه‌ها و آسایشگاه‌هاست. به نظر می‌رسد لازم است به جای دلسوزی‌های بی‌فایده و خلق مداوم اصطلاحاتی مانند توان‌یاب، روش‌ندل و... توجه بیشتری نسبت به حقوق مسلم این قشر داشته باشیم که یکی از این حقوق، فراهم کردن فضا و امکاناتی است که باعث برابری شرایط آنها با سایر افراد جامعه می‌شود. در این گزارش به مهم‌ترین محدودیت‌های زندگی اجتماعی هر گروه از معلولان در ایران می‌پردازیم.

محمد وفاپی

روزنامه نگار

معلولان جسمی حرکتی

یک فرد معلول جسمی حرکتی که روی ویلچر می‌نشیند، مشکلات پرشماری برای زندگی روزمره اجتماعی خود دارد. اولین مشکل به محض بیرون آمدن از خانه خود را نشان می‌دهد، در پیاده‌روهایی که فرد باید در آنها حرکت کند تا به ایستگاه‌های حمل و نقل عمومی برسد. واقعیت این است که بسیاری از این پیاده‌روها برای تردد ویلچر مناسب نیست. در جاهایی موانعی در ابتدای پیاده‌رو جاگذاری شده تا مانع از ورود موتورسیکلت شود، اما این موانع تردد ویلچر را نیز غیرممکن می‌کند. مشکل دیگر پیاده‌روها، سد معبر توسط خودروها و موتورسیکلت‌هایی است که در پیاده‌رو پارک شده و در نبود نظارت مناسب و به دلیل این که جریمه‌ای بر آنها تحمیل نمی‌شود، به این کار ادامه می‌دهند. در چنین شرایطی تغییر مسیر و رفتن به خیابان برای عبور از پیاده‌کار ساده‌ای است، اما برای ویلچر نشینان تقریباً غیرممکن است. مورد دیگر، سد پیاده‌رو به دلیل انجام ساخت و ساز است که این کار هم عبور ویلچر را سخت می‌کند. اگر فرض کنیم که شخص معلول از همه این موانع رد شده و به ایستگاه مترو یا بی‌آرتی رسیده، باز هم مشکلات دیگری وجود دارد. سوار شدن به اتوبوس بدون کمک سایر مسافران امکان‌پذیر نیست، اما مترو وضعیت بهتری دارد، چون ایستگاه با قطار در یک سطح

قرار دارد و سوار شدن با ویلچر آسان‌تر است. مشکل اصلی، داخل شدن به ایستگاه است و وارد شدن با ویلچر فقط در ایستگاه‌هایی ممکن است که آسانسور دارند. این ایستگاه‌ها درصد کمی از کل ایستگاه‌های مترو را شامل می‌شوند و به نظر می‌رسد لازم است این امکان در همه ایستگاه‌ها ایجاد شود. بعد از مرحله حمل و نقل، باید به وضعیت نامناسب مراکز تفریحی و فرهنگی برای معلولان اشاره کرد. یک شخص ویلچر نشین برای ورود به ساختمان بیشتر سینماها، سالن‌های تئاتر و پاساژها با مشکل مواجه می‌شود، چون سطح شیب‌دار در ورودی همه مراکز وجود ندارد. در داخل ساختمان‌ها هم وضع چندان بهتر نیست. برخی سالن‌های نمایش به قدری کوچک است که افراد سالم هم به سختی در آن تردد می‌کنند. البته بسیاری از این مشکلات برای معلولان ذهنی نیز وجود دارد، گروهی که شاید از لحاظ جسمی مشکلات کمتری برای حضور در جامعه داشته باشند، اما نکته ضروری درباره این افراد، اصلاح نگاه مردم به آنهاست و درک این موضوع که بسیاری از رفتارهای معلولان ذهنی ناخودآگاه و بدون قصد قبلی است و تحمل واکنش‌های تند و قضاوت‌های آزاردهنده نسبت به آنها برای همراهان و خانواده این معلولان هم رنج‌آور است. اصلاح این نگاه بیش از هر چیز نیازمند فعالیت مؤثر نظام رسانه‌ای کشور است.

نابینایان

فضا برای حضور نابینایان در جامعه نیز چندان مناسب‌تر از معلولان جسمی حرکتی نیست و بسیاری از فضاها استانداردهای لازم را ندارند. به جز موانع فیزیکی نصب شده در پیاده‌روها برای جلوگیری از ورود موتور، خیلی وقت‌ها برای اقدامات زیرساختی پیاده‌روها را حفاری می‌کنند که این می‌تواند برای نابینایان مشکل‌ساز شود. یکی دیگر از مشکلات یک فرد نابینا استفاده از آسانسور است. کلیدهای بیشتر آسانسورها نه نشانه‌های برجسته بریل را دارند و نه از سیستم اعلام صوتی بهره می‌برند. در نتیجه فرد نمی‌داند به عنوان مثال برای رفتن به طبقه پنجم باید کدام کلید را بزند و از این موضوع هم بی‌اطلاع است که آسانسور قبل از رسیدن به طبقه پنجم در جایی خواهد ایستاد یا نه. در فروشگاه‌ها فرد نابینا نه می‌تواند جنس‌ها را بشناسد و نه می‌تواند از قیمت‌ها مطلع شود. ممکن است یکی از فروشندگان با نابینا

همراه شود، اما همیشه چنین فردی وجود ندارد. سامانه‌های اخطار مانند چراغ‌های راهنمایی و رانندگی نیز برای نابینایان مناسب نیست و سیستم گویا ندارد. همچنین در وسایل حمل و نقل عمومی مانند مترو که از سیستم گویا برخوردار هستند، گاهی خطا پیش می‌آید و ایستگاه اشتباه اعلام می‌شود. برای جلوگیری از سقوط افراد نابینا به ریل مترو هم باید کار بیشتری انجام شود و استفاده از حفاظ برای این منظور می‌تواند مفید باشد. نکته مهم این است که در طراحی مبلمان شهری، صنعت ساخت و ساز، خدمات بانکی و اداری و همه اقدامات زیرساختی باید نابینایان در نظر گرفته شوند و از قبل راه‌حلی‌هایی به کار گرفته شود که آنها هم بتوانند از این امکانات بهره ببرند. بیشتر نابینایان به خوبی از ابزارهای ارتباطی مانند شبکه‌های اجتماعی، کتاب‌های صوتی و... استفاده می‌کنند و به نظر می‌رسد مشکل عمده آنها نامناسب بودن فضاهاست.

ناشنوایان

مهم‌ترین معضلی که ناشنوایان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، سختی برقراری ارتباط با دیگران است. ارتباط این افراد با دیگر افراد جامعه به طور طبیعی زیاد نیست و در نتیجه ایجاد امکاناتی برای بهره‌بردن این افراد از رسانه‌های ارتباط جمعی اهمیت می‌یابد. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به دلیل متن محور بودن و کاربرد قابل توجه عکس در آنها

کم و بیش برای استفاده ناشنوایان مناسب است، اما لازم است رسانه ملی به عنوان فراگیرترین رسانه کشور توجه بیشتری به ناشنوایان داشته باشد. استفاده از زبان اشاره به عنوان مهم‌ترین راه ارتباطی با افراد ناشنوا اهمیت بالایی دارد و شرایط امروز تلویزیون به گونه‌ای است که بسیاری از ناشنوایان نمی‌توانند از آن به خوبی استفاده کنند. برنامه‌های اختصاصی برای این افراد به اخبار ناشنوایان محدود می‌شود و حضور دائمی کارشناس زبان اشاره در کنار تصویر نیز در همه برنامه‌ها پیش‌بینی نشده است. علاوه بر آن که زبان اشاره مورد استفاده در تلویزیون چند بار توسط ناشنوایان با انتقاد روبه‌رو شده و برخی بر تفاوت این زبان با زبان اشاره کاربردی خود ناشنوایان تاکید دارند. به جز این مسائل، پروتکل‌های بهداشتی مقابله با کرونا و استفاده بسیاری از مجریان از ماسک باعث شده یکی دیگر